

# تصمیم‌گیری مبتنی بر پژوهش

بخشی از سخنرانی آقای دکتر فانی  
معاون محترم آموزش و پرورش نظری و مهارتی بمناسبت روز پژوهش  
در کانون فرهنگی - تربیتی امام خمینی اصفهان

... از جمله نیازهای اساسی کشور، تولید علم است. امروز پژوهشگران ایران اسلامی باید تولید علم کنند و در آموزش و پرورش هم اگر پژوهشگر داریم و اگر عزیزانی داریم که پژوهش می‌کنند، اینها هم باید تولید علم کنند. یعنی در روش‌های آموزش، در روش‌های پرورشی، در رفتارسازی دانش‌آموزان، در هدایت فکری و رفتاری دانش‌آموزان و بسیاری از زمینه‌ها باید بتوانیم تولید علم کنیم، نظریه‌پردازی کنیم. یعنی فرضیه‌پردازی و بعد هم تبدیل به نظریه کنیم و این نظریه‌ها را به دنیا ارائه نماییم.

در تغییر بنیادی نظام آموزشی کشور که سال ۶۶ در کشور انجام شد و بنده یکی از دوازده نفری بودم که شورای تغییر بنیادی نظام آموزشی را تشکیل داده و حاصل آن شورا یک کتابچه‌ای شد که یقیناً در استان شما هم این کتابچه وجود دارد، من به این جمع‌بندی قطعی (به لحاظ شخصی) رسیده‌ام که در جمهوری اسلامی به لحاظ مبانی تعلیم و تربیت، از دنیا نه تنها عقب نیستیم، بلکه حرف‌هایی داریم که این حرف‌ها خیلی فاصله دارد از آن چیزی که امروز در دنیا دارد اتفاق می‌افتد. برای اینکه مبانی تعلیم و تربیت ما منبعث از مکتب ماست و لذا ما در مبانی تعلیم و تربیت چیزی کم نداریم. آن چیزی که ما در آموزش و پرورش کم داریم، تبدیل مبانی تعلیم و تربیت است به روش‌ها و این فاصله بین مبانی و روش‌ها، کاری است که توسط پژوهشگران در آموزش و پرورش باید انجام شود. یک تقسیم‌بندی در آن طرح شورای تغییر نظام انجام دادیم و گفتیم مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها را از مکتب بگیریم، از روی مبانی اهدافی را برای تعلیم و تربیت تعیین کنیم که این کار را کردیم، از روی اهداف اصولی را در تعلیم و تربیت، یعنی آن چارچوب‌های تعلیم و تربیت را هم در آوردیم، رسیدیم به روش‌ها. این روش‌ها جایش خالی است و به نظر می‌رسد که پژوهش‌های آموزش و پرورش و آموزش و پرورشی‌ها و کسانی که در دانشگاه هستند باید آن را به منصفی ظهور برسانند و در سطح مدارس عملیاتی کنند و بعد هم عرضه کنند به دنیا.

یک مثال خیلی ساده که ما در مبانی خیلی جلوبیم، مثلاً یک هفت - هشت سالی است که در دنیا بحث آموزش برای همه به عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ دنیا می‌باشد. آن زمانی که آقای مظفر وزیر آموزش و پرورش بود، وزرای آموزش در داکار جمع شدند و سندی را به عنوان سند *EFA* که معادلش آموزش مادام‌العمر است (آموزش برای همه) امضاء کردند و

همه متعهد شدند تا سال ۲۰۱۹ مثلاً یک کارهایی در آموزش و پرورش بکنند. یک حرفی است که مثلاً ده سال است در دنیا مطرح شده ولی این حرفها برای ما هیچ تازگی ندارد. ما خیلی قدیم تر این را داشتیم و لذا این عرایض بنده فرق می‌کند با اینکه بعضی‌ها می‌روند بالای منبر می‌گویند آقا اسلام همه چیز دارد. ولی بنده همین جوری نمی‌گویم، با اطلاع حرف می‌زنم. یعنی می‌دانم دنیا دارد چکار می‌کند و ما چه چیزی در آموزش و پرورش داریم، در مبانی تعلیم و تربیت داریم و به جرات و با تحقیق عرض می‌کنم که ما هیچ کم نداریم. چیزی که کم داریم این است که حرف‌هایمان را نتوانسته‌ایم عملیاتی کنیم و این‌ها را به مرحله اجرا برسانیم. نکته‌ی دوم اینکه ما سه مرحله را در تصمیم‌گیری هم در دنیا و هم در کشور می‌توانیم شناسایی کنیم. یک مرحله در تصمیم‌گیری که مربوط به خیلی قدیم است که نظرهای شخصی و سلیق در این تصمیم مؤثر بوده، یعنی مثلاً بنده که معاون وزیر هستم، عقل من می‌رسد که این طرح خوب است. یعنی این طرح باید اجرا بشود که از این مثال‌ها ما در آموزش و پرورش کم نداریم. یعنی یک نفر چون پستی داشته، زوری داشته، امضایی داشته، نوشته که به اینها باید عمل کنیم. این مرحله عمرش در آموزش و پرورش دنیا و در نظام مدیریتی دنیا تمام شده. مرحله‌ی دوم تصمیم‌گیری که در دنیا این هم تجربه شده و پشت سر گذاشته شده که مرحله‌ی تصمیم با نظرهای کارشناسی است. یعنی یک تیم کارشناسی، چهار تا ده تا آدمی که سرشان به‌تنشان در آن موضوع می‌ارزد، اینها بنشینند و بحث کنند و به یک نتیجه‌ای برسند و این نتیجه را برویم اجرا کنیم. این مرحله نسبت به مرحله‌ی قبل خیلی جلوتر است، اما این هم دیگر عمرش تمام شده و لذا این نمی‌تواند برای یک کشوری مثل ایران با صد و چهل هزار مدرسه و سی و یک استان و بیش از هفتصد منطقه آموزشی کارایی داشته باشد. بنابراین این مرحله‌ی دوم که نسبت به قبل خیلی بهتر بوده، این هم پشت سر گذاشته رفته جلو، چیزی که امروز مطرح است و در کشور ما باید به آن عنایت شود تصمیم‌گیری مبتنی بر پژوهش است. تصمیم‌گیری مبتنی بر پژوهش مرحله‌ی سوم است که امروز دنیا به آن رسیده. ما در کشورمان ابتدای راه هستیم. هر تصمیم‌گیری باید مبتنی بر پژوهش باشد زیرا در هر پژوهشی فرضیه‌سازی می‌کنیم و در فرضیه‌سازی دیدگاه‌های کارشناسی که در مرحله‌ی دوم تصمیم‌گیری به آن اشاره کردم و خیلی مهم است، ارائه می‌گردد. بنابراین ما وقتی که تصمیم‌گیری را مبتنی بر پژوهش کنیم، خودمان را از دیدگاه‌های کارشناسی محروم نکرده‌ایم، چون در هر پژوهش بخشی وجود دارد به نام پیشینه‌ی مطالعاتی، پیشینه‌ی تحقیق. ما در پیشینه‌ی تحقیق همه‌ی کارهایی که در مورد این موضوع شده را باید مطالعه کنیم. اگر پژوهشمان علمی باشد، اگر درست پژوهش کرده باشیم، هر کاری که دیگران کرده‌اند را باید بررسی کنیم که در اینجا همه‌ی نظرهای کارشناسی را داریم... پس مرحله‌ی سوم آن چیزی است که امروز در دنیا رعایت می‌شود و کشور ما یک چند صباحی است که تا حدودی ابتدای این راه است، و آن تصمیم‌گیری مبتنی بر پژوهش می‌باشد...